

سلیمان حییم

خدمتگزار راستین زبان فارسی

مریم بهاری



و شگفتا به علت مرضی شبیه همان بیماری مهرداد بهار به نزد او رفت. مریم بهاری در طی پنج سال خدمت تمام وقت در بنیاد دایرةالمعارف اسلامی دهها مقاله را برای *دانشنامه جهان اسلام* تألیف، ترجمه و ویرایش کرد. مقاله «سلیمان حییم» آخرین مقاله‌ای است که او برای *دانشنامه جهان اسلام* تألیف کرد. متن آن مقاله که در مجلد چهاردهم *دانشنامه* چاپ خواهد شد - اگر خدا خواهد - پس از کسب اجازه از اولیای بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، به دنبال این سطور منتشر می‌شود تا نمایانگر گوشه‌ای از زحمات و فضل او باشد.

مهران افشاری

حییم، سلیمان، مؤلف نخستین لغتنامه‌های جامع دوزبانه در ایران. حییم، بر وزن حکیم، بدون تشدید خوانده می‌شود. سلیمان حییم در ۱۳۰۴ / ۱۲۶۶ ش در تهران در یک خانواده یهودی متدین زاده شد. پدر و مادر وی از یهودیان شیراز بودند و پدرش، حییم اسحاق، بزرگ‌شده تهران و لحاف‌دوز بود. تحصیلات سلیمان در مکتب‌خانه آغاز شد و در مدرسه نور (میس نورالله)، متعلق به مبلغان مسیحی، و پس از آن در دبیرستان اتحاد ادامه یافت که در آنجا زبان فرانسه و عبری خواند. در نوزده سالگی وارد کالج امریکایی تهران (بعدها دبیرستان البرز) شد و پس از پایان تحصیلات در ۱۳۳۳ / ۱۲۹۴ ش، در همان‌جا شروع به تدریس کرد (داریوش حییم، ص ۳؛ امامی ۱۳۸۵ ش، ص ۱۹۱؛ آصف، *افق‌بینا*، ش ۱۰، ص ۲۴؛ *ایرانیکا*، ج ۱۱، ذیل «حییم»).

پس از ورود میلسپو، مستشار مالی امریکایی، و کارشناسان امریکایی به ایران، حییم به عنوان مترجم در وزارت مالیه استخدام شد و در همین دوران، به اقتضای نیاز جامعه، تألیف فرهنگ‌های دوزبانه خویش را آغاز کرد. وی در اواسط دهه ۱۳۱۰ ش به استخدام

لب سرچشمه‌ای و طرف‌جویی نم‌اشکی و با خود گفت و گویی به یاد رفتگان و دوستان در موافق گشته با ابر بهاران

امسال در میان همه گل‌های بهاری در نظر این جانب و دوستان و همکارانم در بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، جای یکی از گل‌ها خالی است: گل وجود مریم بهاری. مریم بهاری از خادمان گمنام و بی‌ادعای فرهنگ و ادبیات ایران بود که پنج سال با او (۱۳۸۲ - ۱۳۷۷) در گروه ادبیات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی همکاری

بودم. چه روزهای خوش و روشنی بود، روزهایی که هر روز یکدیگر را می‌دیدیم، برای اعتلای مقاله‌های *دانشنامه جهان اسلام* تا مرز خستگی و بی‌رمقی می‌کوشیدیم، اما می‌گفتیم و خندیدیم! مریم بهاری (۱۳۸۷ - ۱۳۳۶) تحصیل کرده رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در طی دهه ۱۳۵۰ بود. تحت تعلیم استادان بزرگی چون مرحومان دکتر عبدالحسین زرین‌کوب (مدیر گروه)، دکتر صادق کیا و دکتر مهرداد بهار و نیز استاد دکتر شفیع کدکنی - که همواره تندرست باد و دیر زیاد - باگرایش زبان‌شناسی درس خوانده بود و بالیده بود. از کودکی زبان انگلیسی را نیک فرا گرفته بود و به انگلیسی تسلط کافی داشت. خوش‌قلم بود و زیبا می‌نوشت. او از دانشجویان بسیار مقرب مرحوم دکتر مهرداد بهار بود. می‌گفت: «گاه که با مرحوم دکتر بهار به کتابخانه یا مؤسسه‌ای می‌رفتیم، بعضی مردم از بهار می‌پرسیدند که آیا شما دو نفر (بهار و بهاری) با هم خویشاوندید و مهرداد بهار می‌گفت: خوبی‌هایمان به هم شبیه است».

مریم بهاری به راستی خوب بود. طینت پاک و شفاف داشت و چنان‌که نمی‌توانم مفهوم «خوب» را تعریف کنم، نمی‌توانم مریم را نیز معرفی کنم. آن تندیس مهربانی و آزادگی و شجاعت و اخلاص و صمیمیت پس از ۵۱ سال زندگی در زمستان ۸۷ چه بی‌صدا شکست؛

شرکت نفت ایران و انگلیس درآمد و پس از ریاست دارالترجمه آنجا، به ریاست اداره خرید شرکت نفت برگزیده شد. وی در این سمت، راه را بر سوءاستفاده عده‌ای از همکاران خود بست و در نتیجه دشمنی آن‌ها، در اواسط دهه ۱۳۳۰ ش استعفا و تقاضای بازنشستگی کرد (داریوش حبییم، ص ۴-۳؛ امامی، همان، ص ۱۹۲).

حبییم، به شهادت آثارش، به جز انگلیسی، زبان‌های فرانسه و عبری و احتمالاً عربی را به خوبی، و ترکی و آلمانی و روسی را در حدی که از لغتنامه‌های آن‌ها استفاده کند، می‌دانسته است. اظهارنظرهای دقیق او درباره لغات ترکی دخیل در فارسی، این تصور را ایجاد کرده بوده که وی از یهودیان تبریز بوده است (امامی، همان، ص ۱۹۳).

حبییم زبان عبری و علوم دینی یهودی را از کودکی نزد حاخام حبییم موره آموخت و به تدریج وظیفه دستگیری استادش را عهده‌دار شد و به دلیل نابینایی وی، سخنان او را روی کاغذ می‌آورد که حاصل آن سه کتاب (به نام‌های **درخ حبییم**، **پاته الیاهو**، و **گدولت مردخای**) است. حبییم در مقدمه **درخ حبییم** (راه زندگانی)، به گرایش خود به مسیحیت در دوران تحصیل در مدرسه مسیحیان و تأثیر حاخام موره در اقبال او در حفظ دین خویش اشاره و از وی قدردانی کرده است (داریوش حبییم، ص ۱۰۷؛ آصف، **افق پینا**، ش ۱۰، ص ۲۵؛ **ایرانیکا**، همانجا).

احاطه حبییم به اصطلاحات یهودی و مسیحی از امتیازات فرهنگ‌های اوست و ظاهراً ترجمه مقالات راجع به دین یهود در **دایرةالمعارف فارسی**، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، نیز از اوست (امامی ۱۳۷۵ ش، ص ۱۸۳؛ همو، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۰۹). حبییم برای تکمیل فرهنگ عبری - فارسی و نشر آن، چهارسال در بیت‌المقدس اقامت کرد. وی در ادامه تحقیقات خود نقایصی در یک فرهنگ عبری به عبری یافت و آن‌ها را برای مؤلف اسرائیلی آن، ائون شوشان، فرستاد. شوشان در آغاز به حبییم و نامه‌اش بی‌اعتنا بود اما پس از بررسی، به استادی او اعتراف کرد (داریوش حبییم، ص ۵). حبییم در عین احترام به مقدسات دینی خویش، در مسائل اجتماعی بسیار ضدخرافات و سنت‌شکن بود و در جوانی هوادار شمویل حبییم، نماینده یهودیان در مجلس شورای ملی بود که به دستور رضاشاه کشته شد (داریوش حبییم، ص ۸-۷؛ درباره شمویل حبییم - ادهمی، ص ۵۶-۴۷).

حبییم به ادبیات فارسی عشق می‌ورزید و دیوان‌های حافظ و سعدی کتاب بالینی او بود. او قادر بود در سبک‌های گوناگون به انگلیسی و عبری و فارسی شعر بگوید، اما عمده اشعارش به فارسی است. از جمله اشعار او، نامه‌های منظوم، اخوانیات، سفارش‌هایی به فرزندان خویش و اشعاری است که به عنوان هدیه برای اقوام و نزدیکان سروده است. وی اشعارش را در دفتری با نام یادگار جاوید جمع‌آوری کرد، اما آن‌ها را به چاپ نرساند (داریوش حبییم، ص ۵-۶؛ امامی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۹۴؛ آصف، **افق پینا**، ش ۱۱، ص ۳۵).

حبییم به نمایش (تئاتر) نیز علاقه‌مند بود و از پیش‌کسوتان نمایشنامه‌نویسی در ایران محسوب می‌شود. وی قصه‌های یوسف و

زلیخا، روت و نومی، استر و مُردخای، هر سه (از قصه‌های تورات) را به شکل نمایشنامه منظوم تنظیم کرده بود که در زمان حیاتش به همراه موسیقی اجرا شد. نمایشنامه **یوسف و زلیخا** در ۱۳۰۷ ش به چاپ رسید (امامی، همانجا؛ صیاد، ص ۲۸۱-۲۸۰).

حبییم شیفته موسیقی اصیل ایرانی بود و کلیه ردیف‌های موسیقی ایرانی را استادانه می‌نواخت. وی انجمنی به نام **جِبْرَت قول** ناعیم (ایجاد صدای خوش) تأسیس کرد و خود نیز گاه در آنجا برنامه‌هایی اجرا می‌کرد. او صدای خوشی داشت و با ویولن، تار، کمانچه و ضرب آشنا بود، اما بیش از همه به تار عشق می‌ورزید (بنایان، ص ۱۸-۱۷؛ داریوش حبییم، ص ۸).

سلیمان حبییم در ۱۳۴۸ ش بر اثر سکنه قلبی درگذشت. پیش از مرگ، کتابخانه‌اش را به جامعه یهودیان ایرانی هدیه کرده بود که سرنوشت مناسبی نیافت (← داریوش حبییم، ص ۴، ۹). پیش از حبییم، دو مؤلف ایرانی به نام‌های یوسف مقتدر و حسین زاهدی شالفروش، فرهنگ‌های انگلیسی - فارسی مختصری تألیف کرده بودند، اما فرهنگ‌های معتبر آن زمان متعلق به دو محقق انگلیسی بود: یکی آرتور ولاستون، که در هند فارسی آموخته بود و با دستگیری میرزا باقر بواناتی دو فرهنگ یک جلدی (چاپ لندن ۱۸۸۲ میلادی) و دو جلدی (چاپ لندن ۱۸۹۴ میلادی) انگلیسی - فارسی را با کمک مالی دیوان هند به چاپ رسانده بود؛ دیگری استینگاس، که در ۱۳۰۹ / ۱۸۹۲ در انگلستان، یک فرهنگ مفصل فارسی - انگلیسی چاپ کرده بود. این فرهنگ‌ها در بازار کتاب ایران چندان عرضه نمی‌شدند و حبییم نیز در مقدمه فرهنگ‌هایش به آن‌ها اشاره‌ای نکرده است (امامی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۹۵).

سلیمان حبییم حدود چهار سال بعد از آن‌ها، اولین فرهنگ دوزبانه خود را، به نام **فرهنگ جامع انگلیسی - فارسی** ارائه کرد. جلد اول در ۱۳۰۸ ش و جلد دوم در ۱۳۱۱ ش در تهران به چاپ رسید. این فرهنگ مفصل و روشمند، به دلیل همکاری با امریکاییان در کالج البرز و گروه میلیپیو و دستیارانش، گرایش به انگلیسی امریکایی دارد. حدود ده سال بعد، همین فرهنگ با ویرایش و توسعه واژگان و با نام **فرهنگ انگلیسی به فارسی دوجلدی** چاپ شد (تهران ۱۳۲۰ ش و ۱۳۲۲ ش). در آن زمان حبییم در شرکت نفت ایران و انگلیس کار می‌کرد و با اصطلاحات بریتانیایی بیشتر سروکار داشت. در این فرهنگ، گرایش انگلیسی بریتانیایی غالب است (سلیمان حبییم، دیباچه فرهنگ انگلیسی به فارسی، ص هشت؛ امامی، همان، ص ۱۹۶).

حبییم که قواعد کار را به درستی شناخته بود، چندی بعد، با استفاده از برگه‌های مدخل‌های کتاب اول، **فرهنگ جامع فارسی به انگلیسی** را در دو جلد به چاپ رساند (تهران ۱۳۱۲ ش و ۱۳۱۴ ش) (امام، همان، ص ۱۹۷) و از آن پس، فرهنگ‌نویسی را تا آخر عمر ادامه داد.

فرهنگ بزرگ انگلیسی به فارسی حبییم مفصل‌ترین اثر اوست که حدوداً شامل ۵۵۰۰۰ مدخل و ۲۵۰۰۰ زیرمدخل است که از میان مجموعه‌ای از لغتنامه‌ها دست‌چین شده است. چون وی عقیده داشت



آموختن علم اولین شرط پیشرفت اجتماعی است، سهمی که در این فرهنگ برای لغات علمی قائل شده بیش از حد معمول فرهنگ‌های عمومی است (همان، ص ۱۹۹).

حییم سال‌ها اصطلاحات رایج در حرفه‌های گوناگون را به دقت ضبط کرده بود و می‌کوشید به جای ساختن لغت، واژه‌هایی را که بین اهل فن مرسوم است به کار برد. گفته‌اند که گاه در جست و جوی ریشه‌ی بعضی لغات، کار خود را رها می‌کرده و به گفت و گو با صنعتگری که مشغول کار بود، می‌پرداخت (← ادهمی، ص ۱۴؛ امامی، همان، ص ۲۰۲). سلیمان حییم با زبان و ادبیات فارسی و آثار بزرگان ادب و لغات کهن آشنا بود و در دادن معادل‌ها ترجیح می‌داد از کلمات فارسی (هر چند غیر مصطلح و مهجور) و بعد از کلمات عربی استفاده کند و کلمات اروپایی رایج در فارسی را عمداً به کار نمی‌برد (امامی، همان، ص ۲۰۰).

در اواخر کار حییم، از شیوه کار وی و عدم انطباق آن با آخرین معیارهای جهانی، انتقادهایی شده بود (مهمان، ص ۶۳۷ - ۶۳۵) اما سهم وی در فرهنگ‌نویسی در ایران انکارناپذیر است و برخی برآن‌اند که هیچ فرهنگ‌نویسی در ایران از آثار او بی‌نیاز نخواهد بود (← امامی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۸۴؛ حق شناس، مقدمه، ص ۱۲؛ ایرانیکا، همان‌جا). مینوی معتقد بود که برای نوشتن فرهنگ فارسی جدید، کسی شایسته‌تر از حییم وجود نداشت و طرحی نیز به اتفاق خانلری و حییم برای این کار تهیه شده بود (مینوی، ص ۱۳۶).

به جز فرهنگ عبری به فارسی، که در بیت‌المقدس چاپ و در ایران تجدید چاپ شد، تمام فرهنگ‌های حییم را کتاب‌فروشی یهودا بروخیم و پسران منتشر کرده است. فرهنگ‌های حییم عبارت‌اند از: فرهنگ جامع انگلیسی - فارسی در دو جلد (۱۳۰۸ ش و ۱۳۱۱ ش)؛ فرهنگ جامع فارسی - انگلیسی در دو جلد (۱۳۱۲ ش و ۱۳۱۴ ش)؛ فرهنگ فرانسه به فارسی (۱۳۱۶ ش)؛ فرهنگ بزرگ انگلیسی به فارسی دو جلدی (۱۳۲۰ ش و ۱۳۲۲ ش)؛ فرهنگ یک جلدی انگلیسی به فارسی (۱۳۳۱ ش)؛ فرهنگ یک جلدی فارسی به انگلیسی (۱۳۳۳ ش)؛ امثال فارسی به انگلیسی (۱۳۳۴ ش)؛ فرهنگ کوچک انگلیسی به فارسی (۱۳۳۵ ش)؛ فرهنگ عبری به فارسی (۱۳۴۰ ش)؛ فرهنگ کوچک فرانسه - فارسی (۱۳۴۵ ش)؛ و فرهنگ فارسی به عبری، که حییم فرصت اتمام آن را نیافت و پس از او چهار گروه کار وی را ادامه دادند و به تدریج آن را تکمیل و ویرایش کردند. آخرین گروه، به سرپرستی دکتر یونس حمامی لاله‌زار، کار را به پایان رسانده و آماده انتشار کرده‌اند. کمتر از بیست درصد این کتاب یادداشت‌های شخص حییم است و نویسندگان بعدی تلاش کرده‌اند که به سیاق مؤلف کار را ادامه دهند؛ یعنی به روال فرهنگ‌های وی، تمام لغات را با هم‌خانواده‌ها و عبارات و مثل‌های مشهور و نیز معادل اسامی بیاورند. ضمن این‌که بسیاری از معادل‌ها روزآمد و مدخل‌های جدید نیز اضافه شده است (از گفت و گوی نگارنده با دکتر یونس حمامی لاله‌زار).

منابع

بیژن آصف، «استاد سلیمان حییم»، *افق*، پینا، سال دوم، شماره ۱۰، تیر - شهریور ۱۳۷۹ ش؛ و همان، شماره ۱۱، مهر - دی ۱۳۷۹ ش، داود ادهمی، *یادی از استاد یگانه*، در مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر، ج ۳، به کوشش هما سرشار و هومن سرشار، کالیفرنیا، زمستان ۱۹۹۹ میلادی؛ همو، «شخصیت پرسش برانگیز مسیو شموئیل حییم»، در *یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر*، همان؛ کریم امامی، *از پست و بلند ترجمه*، ج ۱، تهران، ۱۳۷۵ ش؛ همو، همان، ج ۲، به کوشش عبدالحسین آذنگ و مزده دققی، تهران، ۱۳۸۵ ش؛ جهانگیر بنایان، *در یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر*، همان؛ علی محمد حق‌شناس، *فرهنگ هزاره*، تهران، ۱۳۸۱ ش؛ داریوش حییم، «پدرم سلیمان حییم»، در *یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر*، همان؛ سلیمان حییم، *فرهنگ دو جلدی انگلیسی به فارسی*، تهران، ۱۳۷۶ ش؛ پرویز صیاد، «در یادواره سلیمان حییم»، در *یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر*، همان؛ م. مهمان، «فرهنگ حییم»، *راهنمای کتاب*، سال یازدهم، شماره ۱۱ و ۱۲، اسفند ۱۳۴۷ ش؛ مجتبی مینوی، «نامه‌ای از مینوی به یحیی مهدوی»، *راهنمای کتاب*، سال بیستم، شماره ۱ و ۲، فروردین - اردیبهشت، ۱۳۵۶ ش؛ گفت و گوی مریم بهاری با دکتر یونس حمامی لاله‌زار، تهران، انجمن کلیمیان ایران، آذرماه ۱۳۸۴ ش.

Encyclopaedia Iranica, S.V. "Haim, Solayman", by Amnon Netzer, Vol XI, New York, 2003.